

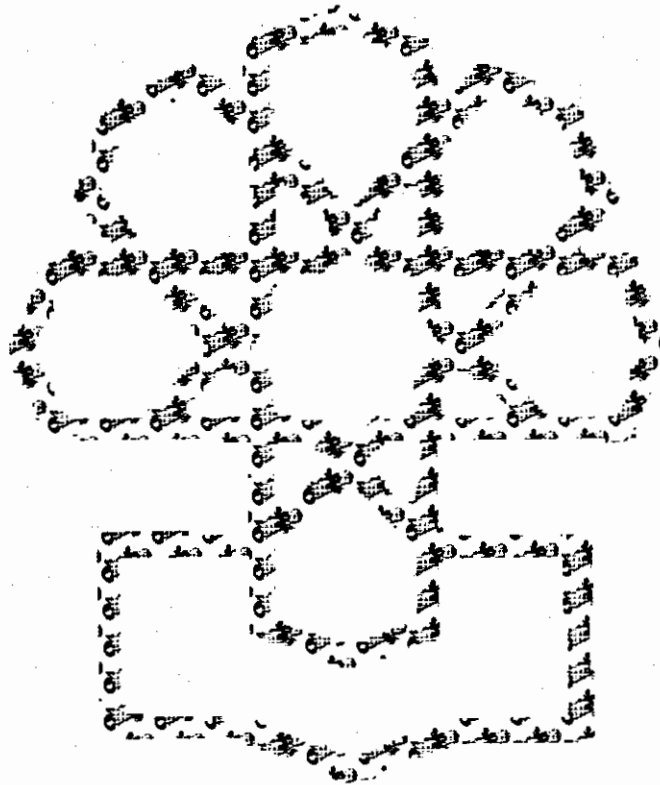
ع ۱۷

۲۷۹۲



بحثی کوتاه پیرامون

مقام و منزلت زن در اسلام



معاونت پژوهشی
آبان ۱۳۷۶

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۲۷۹۲

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی مجلس شورای اسلامی
 شماره: ۴۷۴۲
 تاریخ: ۱۳۷۶ / ۸ / ۱۷

بحثی کوتاه پیرامون مقام و منزلت زن در اسلام

کد گزارش: ۴۱۰۲۷۹۲

السلام علیکم یا اهل البیت، انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. حضرت فاطمه (س) سبب آفرینش عالم است، همان‌گونه که پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین و حسنین سلام‌الله علیهم، علت خلقت بوده‌اند.

تولد فاطمه، خود حدیثی زیباست که با هدایت خداوند و پس از گذراندن برنامه تربیتی ویژه از سوی رسول‌الله و تناول طعام بهشتی، به‌عنوان هدیه‌ای به او و تمام جهانیان داده می‌شود. فاطمه، نوری در رحم مادر و مونس و هم صحبت اوست. هنگام وضع حمل خدیجه، زنان مکه به‌خاطر دشمنی با رسول‌الله و استمرار سرزنش خدیجه به‌خاطر همسری پیغمبر، او را تنها می‌گذارند. ولی پروردگار عالم چهار تن از زنان برگزیده - ساره همسر ابراهیم، آسیه دختر مزاحم، مریم دختر عمران و کلثوم خواهر موسی - را برای کمک به او می‌فرستد.

فاطمه متولد می‌شود در حالی که به وحدانیت خدا، رسالت محمد و امانت علی و فرزندان شهادت می‌دهد.

فاطمه یار و غم‌خوار پدر است تا جایی که «ام‌اینها» لقب می‌یابد. زهرا چنان منزلتی دارد که هرگاه بر رسول‌الله وارد می‌شود پیامبر با تمام قد جلوی او بلند می‌شود و بر دستانش بوسه می‌زند. بوسیدن دست پدر توسط دختر امری عادی است ولی بوسیدن دست دختر توسط پدر - آن هم رسول‌الله و آن هم در بین اعراب - امری عجیب است. وقتی از پیامبر درباره علت این امر سؤال می‌شود می‌فرماید که از جانب خداوند چنین از من خواسته شده است. منزلت فاطمه نه به‌خاطر فرزندی رسول‌الله، بلکه به‌خاطر منزلت والای اوست که خود از علل خلقت و دارای ولایت کبری است. راویان فراوانی - از جمله نه نفر از صحابه - نقل کرده‌اند که پس از نزول آیه تطهیر رسول‌اکرم هر روز - تقریباً بدون استثنا - هنگام خروج از منزل که برای اقامه نماز صبح به مسجد تشریف می‌برد، قبل از نماز صبح به در خانه حضرت صدیقه سلام‌الله علیها می‌آمد و می‌فرمود:

«السلام علیکم یا اهل البیت، انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا».

پیغمبر اکرم در راه هدایت امت آن چنان کوشید و آن قدر رنج کشید که هیچ پیغمبری به پای او نرسید. ولی هیچ چیز از امتش نخواست جز مودت نزدیکان خویش. قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی».

پیامبر اکرم سفارش‌های زیادی هم درباره زهرا (س) دارد که شیعه و سنی در صحت آنها متفق‌القول‌اند. «فاطمة بضعة منی، من اغضبها اغضبتنی».

«من اذاها فقد اذانی، و من اذانی فقد اذی الله» و ذالک قوله تعالی: «ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخرة».

«هرکس فاطمه را بیازارد، مرا آزرده است و هرکس مرا اذیت کند (گویی) خدای را آزرده است» چنان که خدای تعالی می فرماید:

همانا، آن کسانی که خدا و رسول او را بیازارند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده است. رسول اکرم رحلت کرد. هنوز به خاک سپرده نشده که با امرش مخالفت می شود و وصی او خانه نشین می گردد. فاطمه به دفاع از امامت علی قیام می کند لکن مورد هجوم واقع شده، پهلو و دستش می شکنند و محسنش سقط می شود. ولی تا زنده است اولین حامی علی و نوک پیکان حمله به سوی غاصبان خلافت است.

مقامش آن قدر بالاست که پس از رحلت رسول الله، جبرئیل از جانب خداوند بر او نازل می شود و با او سخن می گوید و علی (ع) می نویسد: از این سخنان صحیفه حضرت فاطمه (س) تشکیل می شود که نزد ائمه به امانت می ماند.

فاطمه در بستر مرگ می افتد در حالی که بارها خشم خود را نسبت به غاصبان اعلام می کند و برای این که کوبندگی حرکتش بر تمام تاریخ اثر گذارد به علی وصیت می کند که مرا شبانه و دور از چشم مردم دفن کن. پس از شهادت فاطمه، تا به امروز هر کس وارد مدینه می شود قبر زهرا را می جوید و این سؤال برایش تکرار می شود که «بضعه» رسول الله در کجا آرمیده است.

اعتلای مقام و منزلت زن

آن چه امروز به عنوان سؤال پیش روی بسیاری قرار گرفته، این است که چگونه می توان زن را به جایگاه حقیقی خود رساند؟ چه طور می توان حقوق زنان را به آنان برگرداند؟

در پاسخ به این سؤال باید توجه کنیم که در عصر ارتباطات و دوران حاکمیت تمدن و تفکر غربی قرار گرفته ایم. تفکری که پس از رنسانس شکل گرفت و دوران تطور خود را طی کرد و اکنون ثمرات علمی، صنعتی و فرهنگی خود را به دنیا عرضه می دارد.

پس باید ابتدا نگاهی به علل و نحوه شکل گیری این تفکر افکند و سیر آن را مورد توجه قرار داد. رنسانس تجدید حیات غرب پس از دوران هزار ساله قرون وسطی است. دوران سیاهی و رکود غرب که حاکمیتی برگرفته از مسیحیت تحریف شده توسط کلیسا اعمال می شد. با وقوع جنگ های صلیبی و آشنایی مسیحیان با دنیای اسلام و انتقال میراث فکری و فرهنگی جهان اسلام به غرب، روزنه ای جدید بر روی متفکران آن دیار گشوده شد. غربی ها علوم و تمدن مسلمانان را گرفتند ولی با توجه به کینه ای که نسبت به آنان داشتند بهره چندانی از معنویت اسلام نبردند. ولی همان میزان تحول شگرف در افکار آنان پدید آورد و لذا به دنبال تحول برآمدند. بدیهی بود که در نفی گذشته، حاکمیت را مورد تعرض قرار دادند، به ویژه که کلیسا هرگونه نوآوری را به دلیل مخالفت با مسلمات تفکر کلیسایی - که به عنوان کلام مسیحی تلقی می شد - سرکوب می کرد. باشکستن سد کلیسا، دوران انسان محوری یا اصالت انسان آغاز شد. دستاورد این دوران آزادی است که به عنوان اصلی اساسی در تفکر غربی حاکمیت یافت. آزادی بی حد و حصر انسان تا آنجا که به آزادی افراد و جامعه صدمه نزند. این بار مرزهای آزادی توسط وحی تعیین نمی شد. بلکه افکار بشری و تنها برای جلوگیری از تحدید آزادی دیگران به صحنه آمد. بدین ترتیب حرکت بشر بر بستری نو قرار گرفت که زاینده تفکرات دوران رنسانس بود.

در تفکر کهن غرب، زن عامل و سوسه‌های شیطانی شمرده می‌شد و از نظر اجتماعی نیز از بسیاری از حقوق اولیه محروم بود. وقتی صحبت از ارتقای جایگاه زن به میان آمد، تنها معیار، مساوات زن و مرد بود. این شعار زنان را واداشت تا تلاش کنند هرآن چه مردان انجام می‌دهند به عنوان ارزش انجام دهند. دیری نپایید که سودجویان زیبایی‌های طبیعی زن را متاع تجارت گرفتند و آزادی را دست‌آویزی برای استثمار او قرار دادند. اگرچه در اجتماع غرب، زنان بسیاری به تحصیلات عالی، رفاه، منزلت اجتماعی و مقامات دولتی رسیدند، ولی آیا کسی می‌تواند ادعا کند که این تعداد بیشتر از زنانی است که مورد انواع سوءاستفاده، خشونت، تعدی و تجاوز قرار گرفتند؟

امروز بسیاری از زنان غربی از وضعیت خود راضی نیستند و می‌بینند که خانه و خانواده را از دست داده‌اند و ایجاد کانون گرم خانواده را به عنوان هدف دنبال می‌کنند. ولی بلندگوهای استعمار آوای دیگری در سرزمین ما سر می‌دهند. گویی زن غربی الگوی زنان جهان است. به همین علت ارزش‌های اسلامی زن مسلمان را مورد حمله قرار داده و به صورت‌های مختلف سعی در مخدوش نمودن آن دارند. آنان به خوبی می‌دانند همان گونه که تشکیل حکومت دینی سؤالی بزرگ و الگویی نو در پیش چشم جهانیان قرار داد، الگوی زن مسلمان نیز می‌تواند چراغی فراروی زنان دنیا باشد. لذا به صورت‌های مختلف ارزش‌ها را ضدارزش و مخالف آزادی قلمداد می‌کنند و با طرح سؤالات انحرافی سعی در مشغول کردن اذهان می‌نمایند.

جای تعجب است در بسیاری از محافل که به عنوان بررسی جایگاه زن و راه‌های اعتلای منزلت زن تشکیل می‌شود این سؤال مطرح است که آیا زنان می‌توانند قاضی شوند؟ یا می‌توانند مرجع تقلید و رئیس جمهور شوند؟ یا می‌توانند دوچرخه سواری کنند؟ آیا واقعاً اگر چند نفر زن قاضی دادگستری شوند دیگر مشکلات جامعه زنان حل می‌شود؟ آیا نباید توجه کرد که میادین ویژه‌ای برای بازی دادن ما درست کرده‌اند؟

یا این که عده‌ای خیال می‌کنند که روشنفکری یا نزدیک شدن به مجامع غربی اقتضا دارد که بعضی از احکام مسلمة اسلام را منکر شوند. بحث تساوی زن و مرد را آنچنان مطرح می‌کنند که گویی هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. بله! از نظر اسلام حقیقت وجودی زن و مرد یکسان است و ملاک قرب به خدا تقواست که زن و مرد نمی‌شناسد. ولی به خاطر نقشی که زن و مرد به عنوان مکمل یکدیگر در نظام خلقت ایفا می‌کنند از ویژگی‌های متفاوت جسمانی و روانی برخوردارند و هر یک وظایف و حقوقی خاص دارند.

الگوی خاص اعتقادی

از دیدگاه اسلام زن از کلیه حقوق اجتماعی برخوردار است و به هیچ عنوان نمی‌توان او را از حضور فعال در جامعه و تلاش و فعالیت‌های مفید و سازنده منع نمود. ولی این مشارکت باید به گونه‌ای تنظیم شود که بر نقش اصلی او در خانواده خدشه‌ای وارد نکند.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است... زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیء بودن یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی، پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی

خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. از مجموعه نظرات امام خمینی و مقام معظم رهبری چنین برداشت می‌شود که در زمان حاضر زن باید در مقررات اساسی مملکت دخالت کند. در دانشگاه، ادارات و مجلس حضور یابد، ولی در همه حال محور اصلی خانواده باشد. زیرا که خانواده محل رشد و بالندگی عواطف و احساسات است. لذا در کلیه طرح‌های مربوط به زنان می‌باید خانواده مدنظر قرار گیرد.

جای تأسف است که در همه جا شعار دفاع از جایگاه و منزلت زن و لزوم قرار گرفتن آنان در مسئولیت‌های کلیدی داده می‌شود ولی از آن طرف برای ورود به دوره دکترای دانشگاه‌ها شرط سنی قرار داده‌اند. گویی برای زنان اصل حضور بی‌وقفه در کلاس تارسیدن به مدارج عالی و سپس توجه به تشکیل خانواده در سنین بالاتر است!

اگر باور داشته باشیم که قوانین اسلام و دستورات رهبران دین تضمین‌کننده رشد و سعادت زنان است، پس نارسایی‌های موجود را باید ناشی از فرهنگ و سنت‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی دانست. تغییر این فرهنگ کاری نیست که تنها با حضور تعداد محدودی از زنان در مدیریت‌های عالی محقق گردد، که در این صورت می‌باید شاهد تحولی شگرف در وضعیت زنان هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا باشیم، بلکه نگرشی جامع به وضعیت زنان و مشکلات و موانع رشد آنان لازم است تا ضمن تکمیل قوانین برای حضور زنان در جامعه و دفاع از حقوق آنان، زمینه‌های اصلاح دیدگاه جامعه نسبت به مقام و منزلت زن پدید آید.

قبل از پیروزی انقلاب (سال ۱۳۵۵) تنها ۴/۶ میلیون نفر (۳۵/۵ درصد) زنان از نعمت سواد بهره‌مند بوده‌اند، در حالی که بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این تعداد به ۱۹/۱ میلیون نفر (۷۴ درصد) رسیده است.

همچنین در پنج سال اخیر همواره بیش از ۳۰ درصد دانشجویان را زنان تشکیل می‌داده‌اند. در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار نفر از زنان دارای مدارک تحصیلی فوق‌دپلم تا دکترا می‌باشند.

در دوران جمهوری اسلامی ایران وضعیت بهداشتی زنان نیز بهبود یافته و شاخص امید به زندگی از ۵۶/۳ در سال ۱۳۵۷ به ۶۹ در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است.

گسترش مشارکت زنان در جامعه

جامعه زنان جمهوری اسلامی ایران باید در وهله اول موقعیت تاریخی خود را باور کند و آنگاه در کنار حفظ نقش اصلی در خانواده، کوشش خود را برکسب معرفت و دانش قرار دهد تا با توجه به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود نقشی اساسی در جامعه ایفا نماید. بی‌شک زنان فرهیخته، فرزندانسی داناتر پرورش می‌دهند و همین مطلب زمینه‌ای جدی برای تعالی جامعه است.

زنان مسلمان ایران از زمان فتوای مشهور میرزای بزرگ، در برهه‌های مختلف با حضور در صحنه به دفاع از اسلام پرداخته‌اند. به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این نهضت (انقلاب اسلامی) زنان حق بیشتری از مردان داشته‌اند. در دوران دفاع مقدس نیز که تمام قدرت‌ها برای شکست نظام اسلامی وارد صحنه شدند، صبر و استقامت و روحیه بالای زنان نقشی اساسی در پیروزی ملت داشته است. اگرچه زنان نقش خود را در صحنه‌های عمومی انقلاب ایفا کرده‌اند ولی تشکیل نظام اسلامی ایجاب می‌کند که زنان در اداره امور کشور نیز نقشی متناسب با جایگاه خود ایفا نمایند.

شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، دفتر امور زنان و کمیسیون‌های امور بانوان استان‌ها از جمله

بخش های دولتی فعال در امور زنان می باشند.

مجلس شورای اسلامی نیز با تصویب قوانین مختلف برای رفع موانع حضور زنان در عرصه های فعالیت اجتماعی، تلاش قابل توجهی داشته و اخیراً برای فراهم سازی زمینه های بررسی جامع تر امور زنان، خانواده و جوانان، کمیسیون مستقلی را بدین منظور ایجاد نموده است.

مشارکت زنان در جامعه می باید بر اساس نیازهای نظام اسلامی صورت گیرد و امروز به حضور گسترده تر آنان نیاز است. تعداد دانش آموزان دختر رو به افزایش نهاده است و با توجه به رجحان آموزش این گروه توسط زنان، به طور طبیعی نیاز به مشارکت گسترده تر زنان در آموزش و پرورش در سطوح آموزشی و مدیریتی احساس می شود. جمهوری اسلامی موظف است در امور بهداشتی و درمانی به خصوص در امور خاص زنان زمینه پرورش و به کارگیری زنان مستعد را فراهم سازد.

زنان روستایی نیمی از فعالین بخش کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی را تشکیل می دهند. با استقرار نظام اسلامی لازم است که در فعالیتهای ترویجی و رسیدگی به امور این گروه از حضور زنان استفاده بیشتری به عمل آید. توجه به امور زنان در قانون گذاری و رسیدگی به مشکلات قضایی آنان، حضور گسترده تر بانوان را در این دو قوه ضروری می سازد.

و بالاخره نظام اسلامی برای دفاع از اصول و ارزش هایش نیاز به مدافع دارد. امروز دنیای استکبار از محو نظام اسلامی ناامید شده است ولی تلاش اصلی خود را بر تلاشی درونی این نظام با محرک های بیرونی گذاشته است. امروز هویت اسلامی مردم و عامل وحدت و بقای نظام یعنی ولایت فقیه مورد هجوم است. تمام تلاش این است که رهبری اسلامی که به نیابت از امام معصوم حاکمیت الهی را در این سرزمین برقرار کرده مورد هجوم واقع شود لذا با شیخون فرهنگی بر این امت تاخته اند. به یقین مشارکت زنان در دفاع از حریم ولایت بسیار اساسی و تعیین کننده است. و می تواند آخرین حربه های دشمن را بی ثمر سازد. فاطمه می خواهد که به دفاع از علی برخیزد. تا پرچم انقلاب به دست صاحب حقیقی اش سپرده شود.